

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیه اسکویار
ویراستاری و ارسال: علی مشرف
۱۶ نومبر ۲۰۲۳



پیه اسکویار

چرا امریکا به این جنگ در غزه نیاز دارد؟

واشنگتن باید در جنگ غزه خود علیه ایران پیروز شود زیرا نتوانست در جنگ اوکراینی خود علیه روسیه پیروز شود. جنوب جهانی انتظار طلوع یک واقعیت جدید عربی را داشت. به هر حال، خیابان‌های عرب - حتی در حالی که در کشورهای خود سرکوب شده‌اند - با تظاهراتی همراه بوده است که خشم و حشيانه‌ای را علیه کشتار گسترده اسرائیل علیه فلسطینیان در نوار غزه ابراز می‌کند. رهبران عرب مجبور به انجام نوعی اقدام فراتر از تعلیق چند سفارت با اسرائیل شدند و خواستار برگزاری اجلاس ویژه سازمان همکاری اسلامی (OIC) برای بحث در مورد جنگ جاری اسرائیل علیه کودکان فلسطینی شدند. نمایندگان ۵۷ کشور مسلمان در ۱۱ نومبر در ریاض گرد هم آمدند تا ضربه ای جدی و عملی به دست اندرکاران و توانمند سازان نسل کشی وارد کنند. اما در نهایت چیزی پیشنهاد نشد، حتی آرامش. بیانیه پایانی OIC همیشه در کاخ طلاکاری شده نامردی ثبت خواهد شد. نکات برجسته نمایش لفاظی بی‌رحمانه: ما با «دفاع از خود» اسرائیل مخالفیم. ما حمله به غزه را محکوم می‌کنیم. ما از (چه کسی؟) می‌خواهیم که به اسرائیل اسلحه نفروشد. ما از دادگاه کیفری بین المللی کانگورو درخواست می‌کنیم تا جنایات جنگی را "بررسی" کند. ما درخواست قطعنامه سازمان ملل در محکومیت اسرائیل را داریم. برای ثبت، این بهترین ۵۷ کشور با اکثریت مسلمان است که می‌توانند در واکنش به این نسل کشی قرن بیست و یکمی برپا کنند.

تاریخ، حتی اگر توسط پیروزمندان نوشته شود، نسبت به ترسوها نابخشودنی است. در این مثال، چهار بزدل اصلی عبارتند از عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مراکش - سه نفر آخری که در سال ۲۰۲۰ روابط خود را با اسرائیل عادی کرده‌اند. اینها کسانی هستند که به طور مداوم از اتخاذ تدابیر جدی

جلوگیری کردند اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی، مانند پیش نویس پیشنهادی الجزایر برای ممنوعیت نفت اسرائیل، به علاوه ممنوعیت استفاده از حریم هوایی کشورهای عربی برای ارسال سلاح به کشور اشغالگر. مصر و اردن - دست نشانندگان دیرینه عرب - نیز غیرمتعهد بودند و همچنین سودان که در میانه جنگ داخلی قرار دارد. ترکیه، در زمان سلطان رجب طیب اردوغان، بار دیگر نشان داد که همه چیز صحبت است و هیچ اقدامی نیست. یک تقلید مسخره آمیز نئو عثمانی از تگزاس "همه کلاه، بدون گاو".

IMEC & BRICS

چهار ترسو برتر سزاوار بررسی هستند. بحرین یک رعیت پست است که میزبان یک شاخه کلیدی از پایگاه های امپراتوری ایالات متحده است. مراکش روابط نزدیکی با تل ابیب دارد - پس از وعده اسرائیل برای به رسمیت شناختن ادعای رباط در صحرای غربی، به سرعت فروخته شد. علاوه بر این، مراکش بشدت به گردشگری، عمدتاً از غرب جمعی، وابسته است.

سپس ما سگ های بزرگ، عربستان سعودی و امارات را داریم. هر دو با تسلیحات امریکائی روی خروارها چیده شده اند و مانند بحرین، میزبان پایگاه های نظامی ایالات متحده نیز هستند. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی (MbS) و مربی قدیمی او، حاکم اماراتی محمد بن زاید (MbZ)، در صورت انحراف بیش از حد از خط امپراتوری مورد قبول، خطر وقوع انقلاب های رنگی را در قلمرو سلطنتی آنها در هم می شکنند.

اما در چند هفته دیگر، از اول جنوری ۲۰۲۴، تحت ریاست جمهوری روسیه، ریاض و ابوظبی هر دو افق چشم انداز خود را با عضویت رسمی در BRICS 11 گسترش خواهند داد. عربستان سعودی و امارات تنها به دلیل محاسبات دقیق ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک توسط مشارکت ستراتیژیک روسیه و چین در بریکس توسعه یافته پذیرفته شدند.

در کنار ایران - که اتفاقاً شراکت ستراتیژیک خود را با روسیه و چین دارد - ریاض و ابوظبی قرار است نفوذ انرژی حوزه بریکس را تقویت کنند و در ادامه راه، بازیگران کلیدی در روند دالرزدائی باشند. که هدف نهائی آن دور زدن دالر نفتی است.

با این حال، در همان زمان، ریاض و ابوظبی نیز از طرح نه چندان محرمانه سال ۱۹۶۳ برای ساخت کانال [بن گوریون](#)، از خلیج عقبه تا مدیترانه شرقی بهره مند خواهند شد که - چه تصادفی - بسیار نزدیک است. به شمال غزه که اکنون ویران شده است.

این کانال به اسرائیل این امکان را می دهد تا به یک قطب کلیدی ترانزیت انرژی تبدیل شود و کانال سوئز مصر را از بین ببرد، و اتفاقاً با نقش اسرائیل به عنوان گره اصلی بالفعل در آخرین فصل از جنگ کریدورهای اقتصادی: هند ساخته شده توسط ایالات متحده همخوانی دارد. [راهروی شرق میانه \(IMEC\)](#).

IMEC یک کلمه اختصاری کاملاً انحرافی است، همانطور که کل منطق پشت این کریدور خارق العاده است، یعنی قرار دادن اسرائیل قانون شکن بین المللی به عنوان یک مرکز تجاری مهم و حتی تأمین کننده انرژی بین اروپا، بخشی از جهان عرب و هند.

این نیز منطقی بود که در ماه سپتمبر، بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل در سازمان ملل، نقشه ای از «خاورمیانه جدید» را که در آن فلسطین کاملاً پاک شده بود، برای کل «جامعه بین المللی» به نمایش گذاشت.

همه موارد فوق فرض می کند که IMEC و کانال بن گوریون ساخته خواهند شد - که با هیچ ستندرد واقع بینانه ای مشخص نیست .

در بازگشت به رأی گیری در OIC ، مصر و اردن - دو کشوری که به ترتیب در مرزهای غربی و شرقی اسرائیل قرار دارند - دستیاران ایالات متحده در سخت ترین موقعیت قرار داشتند . دولت اشغالگر می خواست تقریباً ۴.۵ میلیون فلسطینی را برای همیشه به داخل مرزهای خود بکشاند . اما قاهره و امان نیز که غرق در تسلیحات امریکا هستند و از نظر مالی ورشکسته شده اند، اگر به شکل غیرقابل قبولی به سمت فلسطین متمایل شوند، هرگز از تحریم های ایالات متحده جان سالم به در نخواهند برد .

بنابراین، در نهایت، بسیاری از کشورهای مسلمان که حقارت را به عدالت ترجیح دادند، به مفاهیم بسیار محدود، عمل گرایانه و منافع ملی فکر می کردند . ژئوپلیتیک بی رحم است . همه چیز در مورد منابع طبیعی و بازار است . اگر یکی را ندارید، به دیگری نیاز دارید، و اگر ندارید، یک هژمون به شما دیکته می کند که چه چیزی مجاز به داشتن آن هستید .

خیابان عرب و مسلمان - و اکثریت جهانی - ممکن است به حق احساس ناراحتی کنند وقتی می بینند که چگونه این "رهبران" آماده نیستند جهان اسلام را به یک قطب قدرت واقعی در چند قطبی نوظهور تبدیل کنند .

به هیچ وجه این اتفاق نمی افتد . بسیاری از کشورهای کلیدی عرب، نهادهای مستقل نیستند . همه آنها در جعبه هستند، قربانیان یک ذهنیت رعیت آنها - هنوز - برای نمای نزدیک خود به تاریخ آماده نیستند و متأسفانه، آنها هنوز هم گروگان «قرن تحقیر» خودشان هستند .

این کودتای تحقیرآمیز را کسی جز خود دیوانه نسل کش تل ابیب انجام نداد: او همه را در جهان عرب را تهدید کرد که اگر ساکت نشوند - آنها قبلاً ساکت شده بودند .

البته در ایران، سوریه، فلسطین، عراق، لبنان و یمن دلبران عرب و مسلمان بسیار مهمی هستند . این بازیگران مقاومت در حالی که به هیچ وجه اکثریت نیستند، احساساتی را که در خیابان وجود دارد، منعکس می کنند و با گسترش هر روز جنگ اسرائیل، نفوذ منطقه ای و جهانی آنها به طرز بی اندازه ای افزایش می یابد، درست مانند تمام جنگ های منطقه ای دیگر .

خفه کردن یک قرن جدید در گهواره

شکست فاجعه بار پروژه اوکراین و احیای جنگ غیرقابل حل غرب آسیا عمیقاً در هم تنیده شده است . فراتر از مه «نگرانی» و اشنگن در مورد جنایت نسل کشی تل ابیب، واقعیت مهم این است که ما درست در جنگ علیه بریکس ۱۱ قرار داریم .

امپراتوری ستراتیژی انجام نمی دهد . در بهترین حالت، برنامه های تجاری تاکتیکی را در پرواز انجام می دهد . دو تاکتیک فوری در بازی وجود دارد: ناوگان امریکائی مستقر در مدیترانه شرقی - در تلاشی ناموفق برای ارباب غول های محور مقاومت ایران و حزب الله - و انتخاب احتمالی مایلی در ارجنتاین که با وعده های او مبنی بر شکستن روابط برزیل و ارجنتاین مرتبط است .

بناء این یک حمله همزمان به BRICS 11 در دو جبهه است: غرب آسیا و امریکای جنوبی . از هیچ تلاشی برای جلوگیری از نزدیک شدن برجام ۱۱ به اوپک پلاس دریغ نخواهد کرد . هدف اصلی القای ترس در ریاض و ابوظبی است - همانطور که منابع تجاری خلیج فارس تأیید کردند .

حتی رهبران دست نشانده در نمایشگاه OIC می‌دانستند که ما اکنون عمیقاً در The Empire Strikes Back قرار داریم. این نیز تا حد زیادی بزدلی آنها را توضیح می‌دهد.

آن‌ها می‌دانند که برای هژمون، چندقطبی برابر است با «آشوب»، تک‌قطبی برابر با «نظم»، و بازیگران بدخواه برابر با «خودکامگان» است - مانند «محور شرارت» جدید روسیه، چین و ایران و هر کسی، به‌ویژه رعیت‌ها، که مخالف "نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین" است.

و این ما را به داستان دو آتش بس می‌رساند. ده‌ها میلیون نفر در سراسر اکثریت جهانی می‌پرسند چرا هژمون از آتش‌بس در اوکراین ناامید است در حالی که صراحتاً آتش‌بس در فلسطین را رد می‌کند.

پروژه انجماد اوکراین برای مدتی بیشتر روح هژمونی را حفظ می‌کند. بیائید فرض کنیم مسکو طعمه را می‌گیرد (این کار را نمی‌کند). اما برای منجمد کردن اوکراین در اروپا، هژمون به پیروزی اسرائیل در غزه - شاید به هر قیمتی - نیاز دارد تا حتی بقیائی از شکوه سابق خود را حفظ کند.

اما آیا اسرائیل می‌تواند بیشتر از آنچه اوکراین می‌تواند به پیروزی برسد؟ تل ابیب ممکن است قبلاً در جنگ ۷ اکتوبر شکست خورده باشد زیرا هرگز نمی‌تواند چهره شکست‌ناپذیری خود را بازیابد و اگر این به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل شود که اسرائیل از دست می‌دهد، ایالات متحده یک شبه دست‌نشانندگان عرب خود را که امروز گزینه چینی و روسی در بال دارند، از دست خواهد داد.

غرش خیابان بلندتر می‌شود - از دولت بایدن که اکنون به عنوان همدست تل ابیب دیده می‌شود، می‌خواهد نسل‌کشی اسرائیل را که ممکن است به جنگ جهانی منجر شود، متوقف کند. اما واشنگتن به آن عمل نخواهد کرد. جنگ‌ها در اروپا و غرب آسیا ممکن است آخرین فرصت آن باشد (از دست خواهد داد) تا ظهور یک قرن اوراسیا مرفه، متصل و صلح‌آمیز را از بین ببرد.

۱۵ نوامبر ۲۰۲۳

منبع: کرادل